

تبیین چرایی اسلامی سازی علوم انسانی، از منظر فقه اسلامی *

□ محسن داودآبادی فراهانی **

□ سید نقی موسوی ***

□ محمد زارعی ***

چکیده

دینی کردن علم و بحث از «علم دینی» محل گفت وگوهای فراوان بوده و دیدگاه های مختلف اقلی و اکثری در آن وجود دارد. مهم ترین عرصه علم دینی مطرح در بین صاحب نظران عرصه علوم انسانی است. علوم انسانی دانش هایی است ناظر به حالات، شئون و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان. دستیابی به علوم انسانی اسلامی در مهندسی تمدن اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. هدف اصلی این مقاله بررسی ادله چرایی «اسلامی سازی علوم انسانی» از منظر فقه اسلامی است. این پژوهش از روش شناسی اجتهادی در استنباط حکم از ادله قرآنی و روایی بهره می گیرد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که سه قاعده نفی سبیل (حفظ استقلال و خودکفایی جامعه مسلمین)، اعانه بر «پر» و ممنوعیت اخذ علوم از غیر اهل بیت (علیهم السلام) را می توان به عنوان برخی از مهمترین ادله فقهی «اسلامی سازی علوم انسانی» بیان نمود و جمع بندی حاصل از این ادله بر لزوم تولید علوم انسانی اسلامی دلالت دارد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی اسلامی، علم دینی، فقه علوم انسانی، نفی سبیل، اخذ علوم از غیر اهل بیت (علیهم السلام).

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۴/۲۳.

** گروه فقه تربیتی، مجتمع عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول): (mohsen21226@yahoo.com).

*** گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران: (snmosavi57@gmail.com).

**** مدرس جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران: (mohammadzareei313@chmail.ir).

بیان مسأله

مباحث فلسفه علم و معرفت‌شناسی در سده اخیر بسیار مورد توجه قرار داشته و در سیر کلی اندیشه‌ها و تمدن بشری نقش‌آفرین بوده است. یکی از بحث‌های اساسی در زمینه‌های معرفت‌شناختی، بحث از علم دینی و اسلامی‌سازی علوم می‌باشد. ضرورت و امکان علم دینی هرچند از لوازم کنونی جامعه اسلامی می‌باشد ولی با نظرات و رویکردهای مختلفی مواجه شده است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۵۴) به عبارت دیگر، دینی‌کردن علم و بحث از «علم دینی» محل گفت‌وگوهای فراوان قرار گرفته است. در تفسیر دینی شدن علم مانند تعریف از علم، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مهمترین عرصه علم دینی مطرح در بین صاحب‌نظران عرصه علوم انسانی است. علوم انسانی نرم‌افزار تمدن است و به دلایل مختلف، چندی است که مورد توجه اندیشمندان و سیاستمداران قرار گرفته است (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

علوم انسانی علمی هستند که با فکر و اندیشه انسان سروکار دارند؛ یعنی متعلق این علوم با فکر و اندیشه انسان ارتباط دارد. علوم طبیعی، در برابر علوم انسانی، دانش‌هایی هستند که با اندیشه انسان سروکار ندارند (محیطی و مصباح، ۱۳۸۶: ۱۱۵). در تعریفی مشابه می‌توان گفت: علوم انسانی دانش‌هایی ناظر به حالات، شئون و رفتارهای «انسان» هستند؛ اعم از رفتارهای فردی یا اجتماعی. البته حالات و شئون انسانی گاهی از نوع حالات فیزیولوژیک و طبیعی آدمی‌اند، مثل ضربان قلب و کیفیت آن یا گردش خون و امثال آن که ذیل علوم طبیعی قرار می‌گیرند. آنچه مورد مطالعه علوم انسانی قرار می‌گیرد، افعال و حالات و شئون غیر فیزیولوژیک انسان است؛ یعنی حالات و شئون انسانی انسان (قربانی، ۱۳۹۴: ۷۶).

رشد علمی و نظریه‌پردازی در مسائل علوم انسانی به‌ویژه در علمی همچون اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و مانند این‌ها لازمه پیشرفت مادی و استقلال فکری و فرهنگی است. همه حرکت‌های سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و امثال آن محکوم نظریه‌پردازی‌های اندیشمندان علوم انسانی است. شاخص‌های پیشرفت‌های اجتماعی و سیاسی و فکری در علوم انسانی طراحی می‌شود. با تکیه بر داده‌های علوم انسانی است که

اهداف و الگوهای پیشرفت در هر جامعه‌ای ترسیم می‌شود. زیرا پیشرفت اگر در عرصه اقتصادی باشد تئوری‌های اقتصادی عهده‌دار اصلی این عرصه هستند؛ و اگر در عرصه علمی و فرهنگی است که دانش‌های همچون مدیریت، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و امثال آن حرف اول را در ترسیم نقشه راه پیشرفت می‌زنند و در عرصه‌های دیگر نیز به همین صورت پیشرفت متکی به علوم انسانی است. نکته دیگری که اهمیت و ضرورت توجه ویژه‌تر به علوم انسانی را نشان می‌دهد، این است که نسبت علوم انسانی به علوم طبیعی و تجربی و علوم پایه مثل نسبت روح به جسم است. علوم انسانی است که جهت سایر علوم را مشخص می‌کند و تحلیل، کنترل و هدایت همه کنش‌های بشری اعم از کنش‌های علمی و عملی را بر عهده دارد. هرگونه انحرافی در این علوم موجب کجروی در همه زمینه‌ها خواهد شد. (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

دستیابی به علوم انسانی اسلامی در مهندسی تمدن اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (جمالی، ۱۳۹۰: ۵). تحقق انقلاب فرهنگی از مهم‌ترین اهداف استراتژیک نظام اسلامی بود که از همان آغاز مدنظر امام راحل قرار گرفت و به‌منزله مطالبه جدی نظام از متولیان فرهنگی جامعه مطرح شد (رک: صحیفه امام خمینی: ۱۲/ ۲۴۸). این مطالبه را مقام معظم رهبری بارها با ادبیات گوناگون، همچون اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها، نهضت نرم‌افزاری و تولید علم مطرح کرده‌اند (رک: خامنه‌ای، ۱۳۹۵). در این میان علوم انسانی در تحول فرهنگی و پیشرفت جامعه اسلامی از جایگاهی مهم و تأثیرگذار برخوردار است. بی‌تردید بدون این تحول، حرکت تکاملی انقلاب اسلامی با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی از ابتدا مبتنی بر گفتمانی فرهنگ‌پایه بوده و در مورد نهاد علم نیز قائل به استقلال، آزادی و اسلامیت (سه شعار معروف خود) بوده است و «اسلامی‌سازی علوم» از ابتدا مورد توجه رهبران انقلاب اسلامی بوده است. (جمالی، ۱۳۹۰: ۸).

با توجه به اهمیت عرصه علوم انسانی به‌عنوان یکی از مهمترین عرصه‌های علمی، و توجه ویژه رهبران و نیز اندیشمندان جامعه اسلامی به این عرصه، به نظر می‌رسد هنوز مقوله

اسلامی سازی علوم انسانی محل اختلاف نظرهای فراوانی بوده و ادله کافی برای ضرورت آن تبیین نشده است؛ چرا که اهتمام کافی در بین پژوهشگران علوم انسانی و نیز طلاب علوم اسلامی نسبت به این مهم یافت نمی شود و جامعه ایران اسلامی در عرصه تولید علم (انسانی اسلامی) با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. بنابراین شایسته است اسلامی سازی علوم انسانی از حیث ضرورت آن مورد بررسی جدی تری قرار گیرد. برای دفاع از ضرورت «اسلامی سازی علوم انسانی» دفاعیات و ادله ای از سنخ ادله فلسفی، تاریخی، حقوقی، اقتصادی و مانند آن می توان ارائه کرد و نوشتار حاضر درصدد است «چرایی اسلامی سازی علوم انسانی» را از منظر فقه اسلامی مدلل نماید. شایان ذکر است که دانش فقه متولی بایدها و نبایدهای تکلیفی در دین مقدس اسلام بوده و بهترین مرجع تعیین ضرورت انجام یا ترک یک فعل (مثل فعل تلاش برای اسلامی سازی علوم انسانی) می باشد. با این وصف در ادامه پس از تبیین روش پژوهش و پیشینه تحقیقات انجام شده به ادله فقهی ضرورت تولید علوم انسانی اسلامی (و نتایج حاصل از ادله) پرداخته می شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث منبع تحقیق، کتابخانه ای و از حیث روش، تحلیلی- اجتهادی می باشد. روش اجتهادی تلاش برای استنباط احکام از منابع اصلی تعالیم اسلامی یعنی قرآن و سنت اهل بیت: (و نیز عقل و اجماع) می باشد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۳: ۵). این مقاله ابتدا به بیان مسأله، روش و پیشینه پژوهش و سپس در بخش اصلی مقاله به تبیین برخی از مهمترین قواعد فقهی مرتبط با عرصه اسلامی سازی و مروری اجمالی بر مستندات این قواعد در آیات و روایات پرداخته است و در پایان تبیین هر قاعده (به عنوان تبیین کبرای کلی) به تطبیق آن بر بحث حاضر می پردازد و به دلالت های هر قاعده در موضوع ضرورت تولید علوم انسانی اشاره ای می شود.

پیشینه بحث

علوم انسانی اسلامی یکی از شاخه‌های بحث علم دینی است و علم دینی، یکی از مسایل نوپدید است که در باب رابطه علم و دین مطرح شده و دیدگاه‌های متفاوت و بعضاً متعارضی درباره آن اظهار شده است (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۹۶: ۳۰ و رک: سوزنجی، ۱۳۹۲: ۸۷). بررسی کتب و مقالات موجود در عرصه علوم انسانی اسلامی (که تعداد قابل توجهی بوده و احصاء آن در ظرفیت این تحقیق نیست) نشان می‌دهد که این پژوهش‌ها در قالب عناوین زیر قابل تقسیم می‌باشد:^۱

۱. امکان علوم انسانی اسلامی

تحقیقات انجام‌شده در باب امکان تحقق و تولید علوم انسانی اسلامی به بررسی ادله موافق و مخالف و شواهد تأیید یا رد آن پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به مقاله «امکان سنجی علوم انسانی اسلامی بر مبنای زبان دین» نوشته مهدی ذاکری و حمید خدابخشیان (۱۳۹۳) و نیز مقاله «امکان علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبایی» اثر محمدعلی اسدی‌نسب (۱۳۹۶) اشاره کرد.

۲. مبانی و فلسفه علوم انسانی اسلامی

مقاله عباس قنبری (۱۳۹۲) با عنوان «به سوی تدوین یک چارچوب فرانظری برای اسلامی‌سازی علوم انسانی» و مقاله «فلسفه علوم انسانی» نوشته عبدالحسین خسروپناه (۱۳۹۱) و نیز کتاب احمدحسین شریفی (۱۳۹۳) به‌نام «مبانی علوم انسانی اسلامی» از جمله پژوهش‌های عرصه مبانی و فلسفه علوم انسانی اسلامی می‌باشد.

۳. چیستی علوم انسانی اسلامی

مقالاتی با عنوان چیستی علوم انسانی اسلامی نیز نگاشته شده که مباحث آن بعضاً مشترک با عنوان قبل می‌باشد ولی به‌علت اهمیت آن در یک عنوان مجزا از آن‌ها ذکر می‌شود. مقاله

«علوم انسانی: چیستی، ساخت‌ها و فرایندهای تحول در آن» که توسط عبدالحسین خسروپناه (۱۳۹۶) تألیف گردیده و نیز کتاب هویت علم دینی، نگاهی معرفت‌شناختی به نسبت دین با علوم انسانی به قلم خسرو باقری (۱۳۸۲) را می‌توان (به‌عنوان نمونه) در این بخش اشاره کرد.

۴. روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی

در این موضوع مقالات زیادی نگاشته شده که یکی از آن‌ها مقاله «نظریه‌پردازی و اسلامی‌سازی نظریه‌های علوم انسانی» است که توسط محمدحسین جمشیدی و همکاران (۱۳۹۴) به رشته تحریر درآمده و یکی دیگر از آن‌ها مقاله «بایدها و نبایدهای اسلامی‌سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح» است که به قلم محمدعلی محیطی اردکان و علی مصباح (۱۳۹۱) نوشته شده است. همچنین پژوهشی به نام «روش و روش‌شناسی در علوم انسانی اسلامی؛ چارچوبی برای تحلیل و ارزیابی نظریه‌های علم دینی و علوم انسانی اسلامی» اثر محمد فتحعلی خانی (۱۳۹۷) و نیز کتاب «روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی» اثر احمدحسین شریفی (۱۳۹۳) در این بخش قابل ذکر است.

۵. سیاست‌پژوهی علوم انسانی اسلامی

این عرصه که اهمیت خاصی در مدیریت کلان تولید علوم انسانی دارد مورد توجه تعداد کمتری از نویسندگان بوده است. به‌عنوان نمونه می‌توان مقاله «درآمدی بر سیاست‌پژوهی علوم انسانی اسلامی؛ آسیب‌ها و راهکارها» نوشته سید حمیدرضا حسنی مهدی علیپور (۱۳۹۱) و مقاله «اسلامی کردن علوم انسانی و کیفیت نظام‌های دانشگاهی» اثر سهیلا صبورینیا و مریم کول (۱۳۹۶) را ذکر نمود.

۶. پژوهش‌های چندوجهی و ترکیبی

معمولاً کتب نگاشته‌شده در حوزه علوم انسانی اسلامی به غالب موارد فوق مثل ضرورت

چیستی و روش‌شناسی (راه‌های تحقق) و مانند این‌ها پرداخته‌اند و به همین جهت می‌توان گفت ترکیبی از چیستی و روش‌شناسی و جز این‌ها هستند که کتاب حسین سوزنچی (۱۳۹۲) به نام «معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی» و نیز کتاب «در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی» اثر عبدالحسین خسروپناه (۱۳۹۳) از جمله این موارد محسوب می‌شود. اما به‌طور خاص در موضوع این پژوهش یعنی در باب ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی چند پژوهش انجام شده است که نمونه‌هایی از آن‌ها در ذیل می‌آید:

الف. اسلامی‌سازی علوم، ضرورتی چالش‌برانگیز

این مقاله به کوشش احمد قرائی سلطان‌آبادی (۱۳۹۴) در نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی به چاپ رسیده و شامل توصیف و تحلیل مسأله ضرورت تولید علوم انسانی اسلامی و نیز بررسی و تطبیق نظرات موافق و مخالف اسلامی‌سازی علوم می‌باشد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که فرایند اسلامی‌کردن علوم به‌فرض قرارگرفتن در مسیر درست آن، نتایج مهمی چون: تعامل سازنده علم و دین، شکل‌گیری مطالعات بین‌رشته‌ای، عرضه الگوهای معرفتی کارآمد و ارزش‌آفرین با تکیه بر جهان‌بینی الهی، همپایی و هماهنگی با رشد و توسعه‌یافتگی سایر علوم، رواج نظام‌های هماهنگ در حوزه‌های کاربردی جامعه اسلامی را به دنبال خواهد داشت.

ب. ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبایی

این مقاله توسط محمدعلی اسدی‌نسب (۱۳۹۵) انجام شده و در آن ضرورت تولید علوم انسانی اسلامی با توجه به آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته و بیان شده است که اسلامی‌کردن علوم انسانی گرچه به‌طور مستقیم در قرآن کریم و آثار علامه طباطبایی طرح نشده است، اما با بررسی لوازم مؤلفه‌هایی چون جامعیت، جاودانگی، کمال دین، تعریف دین، اهداف دین و موارد دیگر، می‌توان این ضرورت را از برداشت‌های قرآنی علامه کشف نمود. شایان ذکر است پژوهشی با موضوع ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر فقه

اسلامی یافت نشد و این نکته یعنی بررسی ادله فقهی لزوم تولید علم انسانی با رویکرد اجتهادی و متخذ از منابع دینی (قرآن و سنت) می تواند امتیاز این پژوهش باشد.

ادله ضرورت اسلامی سازی علوم انسانی

به نظر می رسد در مواجهه با علوم انسانی غربی رویکردهای مختلفی داریم. رویکرد حداکثری، قائل به عدم مخالفت اغلب علوم انسانی موجود با رویکرد اسلامی است و رویکرد حداقلی قائل به این است که در دانش موجود اصل بر مخالفت با تعالیم دینی است مگر آن که خلاف آن ثابت شود. ما چون علوم انسانی موجود را چه در مقام توصیف و چه در مقام تجویز و به صورت موجه کلیه، باطل و ناسازگار نمی دانیم و بخشی از علوم انسانی را (چه در توصیفات و چه تجویزات) قطعاً ناسازگار می دانیم (رویکرد سوم)^۲ ادله ای اقامه می کنیم که اسلامی سازی را راجح نماید و در این بخش، کارکرد (و یا هدف) اسلامی سازی علوم انسانی، بیشتر تولید علوم انسانی اسلامی و اصلاح علوم انسانی موجود خواهد بود. پس از تدقیق و تنقیح عبارت «اسلامی سازی علوم انسانی» و رویکردهای مرتبط با آن در ادامه ادله ضرورت اسلامی سازی علوم انسانی را پی می گیریم.

دلیل ۱. نفی سبیل (حفظ استقلال و خودکفایی جامعه مسلمین)

قاعده نفی سبیل از قواعد مهم فقهی است و فقها در موارد بسیاری این قاعده را مبنای استنباط احکام شرعی قرار داده اند. بجنوردی این قاعده را از قواعد معروف و مشهوری می داند که اصحاب به آن عمل کرده و در فروع زیادی آن را تطبیق کرده اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۸۷). براساس مفاد این قاعده هر عمل فردی یا جمعی از معاملات گرفته تا روابط بین مسلمانان و کافران که سبب شود دشمنان دین یا غیر مسلمان، راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، حرام است و جواز شرعی ندارد. بر این اساس مقررات اسلامی در ساحات داخلی، خارجی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید به گونه ای باشد که به هیچ نحو موجبات سلطه کفار بر مسلمانان را در پی نداشته باشد

(مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۹۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۱۹۳؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵: ۱/۲۳۹-۲۳۸).
امام خمینی (ره) نیز مفاد این قاعده را نفی سلطه کفار و بیگانگان بر امت اسلامی می داند
(نک: امام خمینی، ۱۴۲۱: ۲/۷۲۷-۷۲۰).

در ادامه به تطبیق این قاعده بر ضرورت تولید علوم انسانی اسلامی پرداخته می شود.

در تطبیق قاعده نفی سبیل چند مقدمه قابل ذکر است:

الف) علوم انسانی غربی موجود، محتوایی ماهیتا معارض و مخالف با اسلام دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۳۰) و بر مبانی اومانیستی و غیرالهی بنیاد نهاده شده است. از منظر تاریخی و تمدنی، ملاحظه می شود که ابزاری برای سلطه بر جهان اسلام است و در طول ۳۰۰ سال اخیر نرم افزار استعمار کهنه و نوین بوده است.

ب) برای نفی سلطه کفار بر مسلمین، باید به نقد و ارزیابی و تصیفه و تهذیب علوم انسانی مدرن دست زد که از آن به عنوان جریان اسلامی سازی علوم انسانی یاد می شود. به تعبیر دقیق تر، تئوری های علمی دینی و اسلامی سازی علوم انسانی شامل طیفی از دیدگاه ها از تولید زیربنای علوم تا دیدگاه هایی که علوم انسانی موجود را قابل تهذیب می دانند است و همان طور که در ابتدای این نوشتار گفته شده، همگی در دایره بحث حاضر می گنجند.

به عبارت دیگر در باطل و غلط بودن (بخش هایی از) علوم انسانی غربی تردیدی وجود ندارد و از آن طرف مشاهده می کنیم که علوم انسانی غربی به سرعت در جوامع اسلامی از جمله کشور ما ایران در حال گسترش است و گسترش این علوم به معنی نفوذ فرهنگی و فکری کفار بر مراکز علمی جامعه اسلامی است. از این رو برای جلوگیری نفوذ فکری و فرهنگی کفار در مراکز علمی جامعه اسلامی به ویژه مجامع مرتبط با علوم انسانی که از مهمترین شاخه های علمی در کشور است، لازم است تولید علوم انسانی بومی با توجه به مبانی اسلامی و زیرساخت های تفکر دینی صورت گیرد؛ چراکه تولید مقدمه ترویج و آموزش و یادگیری است و تا زمانی که این علوم به صورت مدون و در دسترس نباشند، نمی توان از دانشگاه ها و دیگر مراکز آموزشی توقع داشت که علوم انسانی غربی را رها کنند و

علوم انسانی اسلامی را ترویج و تدریس نمایند. به عبارت دیگر تولید علوم انسانی اسلامی مقدمه یادگیری آن و یادگیری آن مقدمه عدم تسلط فکری کفار بر جامعه است. خلاصه آن که اسلامی سازی علوم انسانی از باب نفی سیل واجب است به نحو کفایی.

دلیل ۲. اعانه بر «بر»

یکی از قواعد فقهی کاربردی در موضوع تولید علوم انسانی قاعده اعانه است. قاعده فقهی «اعانه بر بر» از قواعد فقهی مهمی است که نقش مؤثری در تقویت روحیه تعاون، یاری جمعی، پاکی و سلامت جامعه دارد (داودآبادی، ۱۳۹۸: ۴۱). این مسأله به قدری حائز اهمیت است که برخی از فقها، تعاون را نمود سلامت جامعه دانسته و معتقدند: «جامعه سالم جامعه‌ای است که روحیه تعاون و یاری یکدیگر و جلوگیری از فساد و تجاوز در آن حاکم است و همه افراد در این مسیر گام بردارند و مراد از تقوا در آیه فوق را نیز تقوای جمعی و توجه به مسئولیت و مراقبت همه افراد جامعه بر تعاون بر نیکی است و این امر یکی از سیاست‌های کلی نظام اسلامی به شمار می‌رود.» (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۹/ ۲۷۰).

اندیشمندان فقه اسلامی در استنباط این قاعده به لفظ «تعاونوا» در آیه شریفه (تعاونوا علی البرّ و التقوی و لاتعاونوا علی الإثم و العدوان) (مانده: ۳) استدلال کرده‌اند که یکی از مهمترین مستندات این قاعده است. در این آیه خداوند متعال به همکاری در امور نیک امر فرموده و از همکاری در گناه و معصیت نهی نموده است. فقهای اسلامی امر به تعاون و همکاری در امور نیک و تقوا را دال بر رجحان این امر (اعم از وجوب و استحباب) دانسته (ابراهیمی و طرقي، ۱۳۹۳: ۶۵) و درباره معنای اعانه سه احتمال را مطرح کرده‌اند:

الف) انحصار اعانه در مشارکت

تعاون به معنای مشارکت در خود فعل به گونه‌ای است که فعل به هر دو طرف نسبت داده شود. مثل مشارکت در قتل و دزدی (ایروانی، ۱۴۰۶: ۱/ ۱۵، ۱۸۰؛ منتظری، ۱۴۱۵: ۲/ ۳۴۱ و ۳۴۲). استدلال این عده از فقها مستند به قاعده ادبی «زیادة المبانی تدل علی زیادة

المعانی» (رضی استرآبادی، ۱۳۷۹: ۸۳-۹۱) است؛ به این معنا که حروف بیشتر در کلمات، معانی بیشتری را به دنبال دارد.

ب) انحصار در تهیه مقدمات فعل

بنابر این احتمال، مراد از تعاون خصوص اعانه بر فعل شخص دیگر است و بر مشارکت در فعل دلالتی ندارد. فقها برای این نظریه چنین استدلال می کنند که «ماده عون چنان که لغویان گفته اند به معنای مساعدت در یک فعل است و اعانه بر پشتیبانی در انجام یک فعل اطلاق می شود. مساعدت و پشتیبانی وقتی صدق می کند که یکی فعل اصلی کار و دیگری فرع باشد و به فاعل اصلی کمک می کنند. همچنین مشارکت داشتن و بین الاثنین بودن باب تفاعل، ماده آن را از معنای اصلی خارج نمی کند» (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱/۱۹۷).

ج) اشتراک در مشارکت در فعل و تهیه مقدمات

بنابر این احتمال تعاون نه تنها در خصوص مشارکت مستقیم در فعل و نیز اعانه بر فعل اطلاق می شود بلکه در هر دو معنا استفاده می شود. امام خمینی رحمته الله علیه این نظریه را به عنوان احتمال مطرح کرده است (امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱/۱۹۷) اما مرحوم سبزواری بر این احتمال سوم تأکید دارد که واژه نه مختص مشارکت است و نه مختص تمهید مقدمات؛ آری، بر هر دو دلالت می کند و عرف مرجع تشخیص اعانه می باشد (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱/۷۵) و به نظر می رسد نظر ایشان به صواب نزدیکتر است (داودآبادی، ۱۳۹۸: ۴۶).

کاربرد قاعده اعانه در تولید علوم انسانی اسلامی

برای تطبیق قاعده اعانه بر بحث حاضر، مصادیقی از آن ذکر می شود.

۱. تولید علم؛ مقدمه عمل به علم

دلیل اعانه بر نیکی این گونه قابل طرح است که تولید و شناخت علوم انسانی اسلامی یعنی

شناخت دین (و برخی گفته‌اند که شناخت دین به‌خودی‌خود مطلوبیت دارد) و شناخت دین مقدمه عمل به آن است (چون عده‌ای از افراد به‌علت این‌که از تعالیم اسلام در حوزه‌های اقتصادی و تربیتی اطلاع ندارند به این تعالیم عمل نمی‌کنند) و تولید علوم انسانی اسلامی اعانه و زمینه‌سازی برای عمل به دین بوده که خودش مصداق برّ و تقوی می‌باشد. شرح بیشتر این‌که محتوای بخش‌هایی از علوم انسانی کاملاً قابل‌اصطیاد از متون دینی بوده و به‌خصوص دانش‌های مرتبط با حکومت مثل دانش اقتصاد، مدیریت و مانند این‌ها پس از تأیید توسط مراجع ذی‌صلاح می‌تواند به‌عنوان برنامه و دستورالعمل اجرایی در عرصه‌های مختلف اداره کشور مورد استفاده قرار گیرد. این کار مصداق کمک و یاری مدیران نظام در عمل به دستورات اسلام در موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی و جز این‌ها می‌باشد. به‌عنوان نمونه می‌توان استخراج تعالیم اقتصادی اسلام در نحوه بانکداری بدون ربا را ذکر نمود که فقها معتقدند: «نه تنها بانکداری کار خلاف شرعی نیست، بلکه بانکداری به شیوه صحیح و اسلامی آن، برای زندگی در جوامع امروزی جزء ضروریات و واجبات است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). به این معنا که تولید علم اقتصاد اسلامی و روش‌های بانکداری اسلامی زمینه‌ساز عمل به آن یعنی اصلاح نظام بانکداری (که یک فعل نیک و مبتنی بر تقواست) بوده و می‌تواند مصداق روشن «اعانه بر نیکی» باشد.

به عبارت دیگر، استدلال را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی نمود:

۱. عمل به دستورات شریعت از بارزترین مصادیق برّ و تقواست؛ ۲. براساس آیه شریفه، اعانه بر نیکی‌ها رجحان دارد؛ ۳. تولید علوم انسانی اسلامی در عمل به دستورات شریعت نقش‌آفرین است و مقدمات عمل به دین را برای مؤمنان فراهم می‌کند و ۴. نتیجه آن‌که تولید علوم انسانی از باب اعانه بر نیکی‌ها رجحان دارد.

۲. تولید علم اسلامی؛ مقدمه نشر و تبلیغ اسلام

در موضوع ارائه مفاهیم دینی در قالب دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها باید گفت به‌طور کلی تبلیغ و تعلیم معارف اسلامی (اعم از تعالیم عمومی دین و نیز تعالیم تخصصی دین در عرصه علوم

انسانی و مانند این‌ها) توسط شارع مقدس (به عنوان قاعده وجوب تبلیغ و ارشاد دینی) توصیه شده (رک: اعرافی، ۱۳۹۹: ۱۳۵) و فقها نیز از مصادیق قاعده اعانه بر نیکی به وجوب تبلیغ و ارشاد دینی اشاره کرده اند (رک: انصاری شیرازی، ۱۴۲۹: ۳/۳۲۳) و با استناد به این قاعده فقهی بر ساختن مسجد، چاپ و نشر کتاب دینی و تلاش برای تهذیب نفوس تأکید نموده اند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۳۶۲؛ انصاری شیرازی، همان: ۳۲۷). بنابراین تعلیم علوم انسانی اسلامی در دانشگاه‌ها و دیگر آموزشگاه‌ها مصداق نیکی و تقوا بوده و تولید محتوا برای چنین دروسی می‌تواند نمونه بارز اعانه بر فعل نیک باشد.

به بیان واضح‌تر، این تقریر شامل مقدمات زیر است: ۱. ترویج و نشر آموزه‌های اسلام، رجحان دارد و تعلیم علوم انسانی یکی از مصادیق نشر اسلام است؛ ۲. نشر اسلام از بارزترین مصادیق برّ و تقواست؛ ۳. تولید علوم انسانی اسلامی تمهید مقدمه و یاری‌رساندن به نشر اسلام (برّ و تقوا) است و رجحان دارد.

دلیل ۳. ممنوعیت اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم‌السلام

در مورد قاعده «ممنوعیت اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم‌السلام» می‌توان گفت روایات بی‌شماری به دانش‌پژوهی و علم‌آموزی دستور داده‌اند. درباره منبع علم و این‌که از چه کسی باید علم آموخت و از چه کسی باید پرهیز نمود، نیز روایات زیادی وجود دارد که در بدو امر با هم متعارض و متنافی به نظر می‌رسند.

شکل قیاسی این استدلال، بدین صورت است:

امروزه خاستگاه علوم انسانی رایج، غرب است و آموختن آن مصداق «اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم‌السلام» است؛

اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم‌السلام، شرعاً نامطلوب (شامل حرمت و کراهت) است؛
تعلیم علوم غربی، از باب اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم‌السلام شرعاً نامطلوب است.
در باب توضیح کبرای قیاس باید توجه کنیم که در یک دسته‌بندی کلان روایات را براساس منع و جوازشان نسبت به علم‌آموزی از غیر اهل بیت علیهم‌السلام به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

۱. روایات مانعه (روایاتی که یادگیری علم از غیر اهل بیت علیهم السلام را ممنوع و علم را منحصر نزد ایشان می‌داند)؛ ۲. روایات مجوّزه (روایاتی که علم آموزی از همگان را جایز می‌داند).^۳

در مقام جمع‌بندی این دو دسته، چند نکته قابل ذکر است:

یک. درباره این‌که در روایات دسته اول کدام علم مراد است، برخی از روایات مطلق‌اند؛ اما قرائن متصله‌ای در روایات صحیح‌السند وجود دارد که محدوده علم را به علوم الهی و هدایتی تعریف می‌کنند. بنابراین، موضوع این حرمت، مراجعه و سؤال و تعلم هر علمی نیست؛ بلکه علوم خاصی است؛ یعنی علوم منتسب به دین و مربوط به سعادت انسان (اعرافی، ۱۳۹۶: ۶۶). پس می‌توان گفت در رابطه با بخش‌هایی از علوم انسانی که متناظر به معارف اهل بیت علیهم السلام مطالبی بیان شده‌اند لازم است از غیر اهل بیت علیهم السلام اعراض نموده و دانش‌های مربوطه از ایشان اخذ گردد. بر همین اساس علمی که اهل بیت علیهم السلام راجع به آن‌ها اظهار نظر فرموده‌اند و نیز فنون که در راستای بهره‌مندی بیشتر از مواهب دنیوی می‌باشد (مثل علوم مهندسی و مانند آن‌ها) مقصود نبوده است. چراکه با توجه به نیاز جامعه به این علوم تکلیف به عدم اخذ چنین علمی از دیگران، تکلیف به مالایطاق می‌شود. (داودآبادی ۱۳۹۹: ۱۴۵).

دو. علت تأکید اهل بیت علیهم السلام بر عدم مراجعه علمی به غیر ایشان و کثرت روایات در این زمینه چه بوده است؟ مثلاً عبارت «شَرِّقًا وَ غَرِّبًا» تأکید ویژه‌ای است و نشان می‌دهد هدف خاصی را دنبال می‌کرده است. به نظر می‌رسد به قرینه روایات دیگر زمینه‌های انحراف (به‌خصوص در زمینه عقاید دینی) در مراجعه به دیگران وجود داشته و دارد که باعث صدور این روایات گشته است و البته این تأکید می‌تواند زمینه‌ای برای احتیاط در گرفتن هر یک از علوم از غیر اهل بیت علیهم السلام اعم از دینی و غیر دینی در ترجمه علوم وارداتی از غرب و ارائه به دانشجویان را فراهم نماید.

سه. کاربرد روایات مانعه در مواردی است که بین معارف اهل بیت علیهم السلام و غیر اهل بیت اختلافی وجود دارد. در این صورت، اطلاق جواز اخذ علوم از غیر اهل بیت به چنین موارد اختلافی مقید می‌شود. روایات مانعه‌ای که با تأکید می‌فرمایند علم صحیح را از اهل بیت علیهم السلام

بیاموزید مؤیدی بر این احتمال است. زیرا صحیح و ناصحیح وقتی معنا دارد که دیدگاه‌های مختلفی وجود داشته باشد و در مواردی که معارف غیر اهل بیت با معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام تخالف دارد باید علم صحیح را تنها از اهل بیت علیهم‌السلام آموخت (اعرافی، ۱۳۹۶: ۶۶).

تا این مجال، کبرای استدلال تبیین شد. در تبیین صغرای استدلال و تطبیق کبرا بر صغرا (یعنی اسلامی سازی علوم انسانی) باید دانست که منتهای دلالت این دلیل، حرمت اخذ علوم انسانی (الحادی و مخالف با معارف اهل بیت علیهم‌السلام) است. به عبارت دیگر ممکن است گفته شود که کبرای استدلال تمام است اما این استدلال به لحاظ صغروی مخدوش است، چراکه تنها بر حرمت تعلم علوم انسانی غربی دلالت دارد و بر ضرورت اسلامی سازی علوم انسانی هیچ دلالتی ندارد. در پاسخ باید گفت تاحدی این سخن صحیح است و برای اثبات وجوب و لزوم تولید علوم انسانی اسلامی باید به ادله و اطلاعات دیگر تمسک کرد. اما استدلال به قاعده ممنوعیت اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم‌السلام تماماً نباید در بحث حاضر به کناری نهاده شود؛ چراکه بخش سلبی استدلال را تأمین می‌کند و اسلامی سازی علوم انسانی از دو بخش سلبی (طردی) و ایجابی تشکیل شده است و جریان اسلامی سازی علوم انسانی بر نفی و طرد بخش‌های مخالف با اسلام از علوم انسانی مدرن موجود، تأکید دارد.

دلیل ۴. قاعده وجوب حفظ نظام

در زمان‌های گذشته زندگی انسان بسیط و ساده بود و نیازی به انواع نظام‌ها نداشت؛ اما در روزگار ما به دلیل پیشرفت حیرت‌آور صنعت، کثرت جمعیت و رشد دانش و تمدن بشری، انسان به نظام‌های گوناگون و متعددی از قبیل: نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیازمند است. این نظام‌ها گرچه درهم تنیده‌اند و با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند، اما هرکدام را می‌توان مستقل لحاظ کرد. از آنجا که فقها به موضوع نظام و حفظ آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند ابتدا به مفهوم‌شناسی نظام، حفظ نظام و حکم شرعی آن پرداخته و سپس تطبیق آن با برنامه درسی آموزش عالی بیان می‌شود.

«نظام» به معنای تألیف، تجمیع و قرین کردن چیزی به چیز دیگر است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶:

۵۷۹/۱۲). شریعتی نیز در تعریف اصطلاحی نظام چنین می‌آورد: «آراستگی درونی جامعه و نهادهای آن از هرج و مرج است که ایجاد ارتباط معقول و منطقی را میان ساختارهای حکومت مدنظر دارد و محیط جامعه را برای اجرای احکام الهی آماده می‌کند و نقطه ثقل آن ساماندهی نظام معیشت جامعه است» (شریعتی، ۱۳۸۷: ۲۵۲). با مراجعه به کلام فقها می‌توان معانی مختلفی برای حفظ نظام در نظر گرفت که به صورت اختصار به برخی از این معانی اشاره می‌شود:

تعاریف مختلف حفظ نظام

۱. معیشت جامعه مسلمین

یکی از معانی بیان شده از سوی فقها برای حفظ نظام، حفظ معیشت جامعه مسلمین می‌باشد. همان‌طور که مرحوم انصاری تأکید می‌کند: «مقصود از حفظ نظام، نظام معیشتی جامعه است و اسلام نیز برای این نظام اهمیت و ارزش زیادی قائل شده به اندازه‌ای که آنچه را نظام معیشت جامعه بدان نیازمند است واجب کفایی می‌داند» (انصاری، ۱۴۱۱: ۲۴۷).

۲. حفظ اجتماع مسلمین

یکی دیگر از معانی حفظ نظام که اندیشمندان بیان کرده‌اند حفظ اجتماع مسلمین است؛ چنان‌که امام خمینی ره بیان می‌کند: «بدین ترتیب در صورتی که مفهوم نظام، در قاعده حفظ نظام را نظام کلان اجتماعی تعریف کنیم، معنای این قاعده تلاش در جهت حفظ نظم، امنیت و مصالح جامعه و پرهیز از ایجاد خلل در آن خواهد بود. این معنا از حفظ نظام، بیشترین کاربرد را در ادبیات فقهی شیعه به خود اختصاص داده است» (خمینی، ۱۴۲۳: ۲۵). یکی دیگر از اندیشمندان معاصر نیز در این باره چنین می‌آورد: «منظور از نظام اجتماعی، اموری است که قوام جامعه و مردم به آن وابسته و موکول است؛ به گونه‌ای که اگر اختلال در نظام اجتماعی رخ دهد زندگی اجتماعی مختل می‌شود و معیشت با خطر مواجه خواهد شد» (جعفرپیشه‌فر، ۱۳۸۹: ۳۵).

۳. حفظ حکومت موجود

از معانی دیگر حفظ نظام، حفظ حکومت یا رژیم سیاسی موجود است. «منظور از حکومت عبارت است از ابزار اجرای حاکمیت، شامل قوای مختلف مقننه، مجریه و قضائیه و دستگاه های دولتی یا وابسته به دولت که اجرای یکی از شئون حاکمیت را بر عهده دارند» (ملک افضلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

۴. حفظ کیان اسلام (بیضه اسلام)

یکی دیگر از معانی که برای حفظ نظام از سوی فقهای شیعه بیان شده، حفظ کیان اسلام است؛ همان طور که امام خمینی رحمته الله علیه بر آن تأکید می کند: «حفظ نظام، حفظ کیان و موجودیت اسلام است که در کلام فقها به «بیضه الاسلام» تعبیر شده است» (امام خمینی، بی تا: ۱/ ۴۸۵). طبق نظر فقها آنچه سبب ازهم پاشیدگی هریک از این نظام ها (هریک متناسب با تعریف خودش) یا ضربه به آنها و اختلال در آنها شود، جایز نیست و حفظ این نظام ها واجب است. به عبارت دیگر، همان طور که اختلال در آنها جایز نیست، حفظ آنها واجب است و هر عملی که سبب حفاظت از آنها شود، انجامش واجب است (وحید بهبهانی، ۱۴۱۷: ۱۵۹-۱۶۰). بدین ترتیب می توان گفت منظور از حفظ نظام، انجام هر عملی است که یک دستی، هماهنگی و پیوستگی یک جمعیت نظام مند را از میان نبرد و گسست و بی نظمی و پراکندگی به وجود نیاورد. حال این پراکندگی و ازهم گسیختگی می تواند در اصل نظام اسلام، نظام اجتماعی و معیشت جامعه و یا نظام و حکومت حاکم به وجود آید (جمالزاده و باباخانی، ۱۳۹۶: ۸).

تطبیق قاعده حفظ نظام بر تولید علوم انسانی اسلامی

الف. تولید محتوای آموزشی برای تربیت نیرو در مشاغل مورد نیاز جامعه اسلامی

از آن جا که به اقتضای قاعده وجوب حفظ نظام در جامعه الهی، بر مکلفین واجب است تمام اقدامات لازم (بی واسطه یا با واسطه) برای حفظ نظام را انجام دهند (داودآبادی، ۱۳۹۹: ۱۰۲) و

تربیت نیرو و کادرسازی برای همه عرصه‌های جامعه اسلامی یکی از این اقدامات است، تولید دانش تخصصی (علوم انسانی و مانند آن‌ها) برای ایجاد و ارتقای این مشاغل (جهت حفظ و تقویت نظام اسلامی به عنوان یک امر واجب)، نیز می‌تواند به عنوان مقدمه واجب یا به عنوان اعانه بر نیکی مشمول حکم وجوب گردد. تربیت نیرو برای دستیابی به همه اهداف نظام اسلامی از جمله عدالت، اقامه دین، تربیت دینی و مانند این‌ها (رک: اعرافی، ۱۳۹۹ و رستمیان، ۱۳۷۹) می‌تواند مورد نظر باشد. طبیعتاً محتوای مناسب برای تعلیم و تربیت نیروی انسانی در راستای اهدافی مثل اقامه دین، تربیت دینی و مانند این‌ها در علوم انسانی غربی یافت نمی‌شود.

به عبارت دیگر این تقریر از قاعده حفظ نظام را می‌توان این گونه صورت‌بندی نمود: ۱. وجود برخی از اصناف و مشاغل و تخصص‌ها همچون ایده‌پردازان، مدیران، متخصصان امور اقتصادی، متخصصان امور اجتماعی، معلمان، اساتید و امثال آن‌ها برای حفظ نظام اسلامی ضرورت دارد؛ ۲. با توجه به اهمیت و ضرورت علوم انسانی در برپایی و تثبیت و بالندگی تمدن انسانی، بدون علوم انسانی اسلامی مشاغل و تخصص‌های مورد نیاز جامعه اسلامی محقق نمی‌شود؛ چراکه علوم انسانی مدرن موجود نیز به دلیل مبادی و توالی غیرتوحیدی نیازهای جهان اسلام را برطرف نمی‌کند؛ ۳. بنابراین تولید علوم انسانی اسلامی براساس قاعده حفظ نظام، واجب است.

ب. تولید علوم انسانی تخصصی در راستای حفظ نظام

بدون تردید، یکی از نتایج و آثار مهم و اساسی حفظ نظام (به هریک از مفاهیم) لزوم «حفظ حاکمیت» از هر دو جنبه آن (داخلی و خارجی) است. بدین معنا که واجب است نظام کشور در همه سطوح آن، حفظ شود؛ از حیث داخلی، خودمختاری دولت در ایفای وظایفش و از حیث خارجی (بین‌المللی)، استقلال کشور در برابر سایر کشورها به ویژه دولت‌های متخاصم را به ارمغان خواهد آورد (ملک‌افضلی، ۱۳۹۱: ۱۳۱). بنابراین نظام تولید علم باید به گونه‌ای تدوین شود که هدف آن قطع دست بیگانگان از برنامه‌های درسی باشد و کشور را از حیث تولید علوم تخصصی که یکی از آن‌ها علوم انسانی است از کفار بی‌نیاز نماید.^۴

نکته حائز اهمیت این است که استفاده از علوم غیرومی هرچند لازم بوده و در ظاهر مزیت هایی مثل صرفه جویی در وقت و هزینه دارد، اما دو آسیب جدی نیز دارد: اول این که غیرومی بودن برخی از علوم به علت عدم تطابق با نیازها و شرایط خاص اجتماعی و منطقه ای ما ناکارآمد است و مشکلات ما را مرتفع نمی کند. دوم این که استفاده از دانش بیگانگان (غیرومی) به طور خودکار و نامحسوس باعث وابستگی ما به بیگانگان می گردد. بنابراین تولید علوم بومی برای حل مشکلات جامعه و رشد آن ضروری می نماید. براساس قاعده حفظ نظام، اتخاذ هر تصمیمی در نظام برنامه ریزی تولید علم که اقتضای آن ایجاد وابستگی به علم و فناوری کفار باشد، جایز نبوده و اجرای آن نیز توسط مدیران (و مسئولین دولتی مرتبط) از لحاظ شرعی جوازی ندارد.^۵ همچنین سیاست گذاری پژوهش در عرصه علوم انسانی باید به گونه ای باشد که در زمینه تولید دانش های بومی و نیز ایجاد استقلال فکری در دانشجویان بتواند در کوتاه ترین زمان جامعه اسلامی را از کفار و بیگانگان بی نیاز نماید.

خلاصه آن که: ۱. حفظ نظام اسلامی واجب است؛ ۲. حفظ حاکمیت اسلام از مصادیق بارز حفظ نظام اسلامی است؛ ۳. حفظ حاکمیت اسلام بر تولید علوم انسانی اسلامی توقف دارد؛ چراکه اساسا علوم انسانی موجود بر مبنای تقویت سکولاریزم بنا شده است و حاکمیت توحید و اسلام را برنمی تابد؛ ۴. بنابراین تولید علوم انسانی اسلامی از باب حفظ نظام، واجب است.

نتیجه

در جمع بندی به عنوان یافته های پژوهش می توان گفت:

- الف. تولید علوم انسانی اسلامی براساس قاعده نفی سبیل برای نفی سلطه علمی و فرهنگی کفار و استقلال فکری جامعه مسلمین به نحو کفایی واجب است.
- ب. ترویج و نشر آموزه های اسلام، مطلوب بوده و تعلیم علوم انسانی یکی از مصادیق نشر اسلام است. براساس قاعده رجحان اعانه بر برّ از آن جا که نشر اسلام از بارزترین

مصادیق برّ و تقواست. بنابراین تولید علوم انسانی اسلامی تمهید مقدمه و یاری رساندن به نشر اسلام (برّ و تقوا) است و رجحان دارد.

ج. اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم السلام، شرعاً نامطلوب (شامل حرمت و کراهت) است و از آن جا که خاستگاه علوم انسانی رایج، غرب است و آموختن آن مصداق، «اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم السلام» است بنابراین تعلم علوم غربی، از باب اخذ علوم از غیر اهل بیت علیهم السلام شرعاً نامطلوب است. از طرفی جریان اسلامی سازی علوم انسانی بر نفی و طرد بخش های مخالف با اسلام از علوم انسانی مدرن موجود ضروری می باشد.

د. با استناد به قاعده وجوب حفظ نظام (که حفظ حاکمیت اسلام از مصادیق بارز آن است) می توان گفت حفظ حاکمیت اسلام بر تولید علوم انسانی اسلامی توقف دارد؛ چراکه اساساً علوم انسانی موجود بر مبنای تقویت سکولاریزم بنا شده است و حاکمیت توحید و اسلام را برنمی تابد. بنابراین تولید علوم انسانی اسلامی از باب حفظ نظام، واجب است.

پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به ذکر است این تقسیم استقرائی بوده و براساس عناوین پرتکرار تدوین شده است. همچنین در مقالاتی که با یکی از عناوین مذکور نوشته شده بعضاً به عناوین دیگر نیز پرداخته شده است و صرفاً یک موضوع خاص محل بحث نبوده است.
۲. کتاب در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی آقای خسروپناه اقوال موجود علم دینی را در این سه دسته آورده است.
۳. این دو دسته روایات به همراه تحلیل سندی و دلالتی آن‌ها در کتاب فقه تربیتی جلد ۴ تألیف علی‌رضا اعرفی (۱۳۹۶) به تفصیل آمده است. همچنین رک: داودآبادی ۱۳۹۹: ۱۴۵.
۴. البته این حکم برای علوم مرتبط با نیازهای ضروری مردم موکد است و برای بقیه علوم مفیده و جوب کفایی یا استحباب دارد و در صورت تصدی گروهی از مردم لازم نیست دولت ورود تصدی گرانه داشته باشد و حمایت کافی است (داودآبادی و بهرامی، ۱۳۹۹: ۲۶۰).
۵. مشابه این بحث در اجرای سند ۲۰۳۰ در آموزش و پرورش نیز وجود دارد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابراهیمی جواد، طرقي اردکانی مجید، *بررسی فقهی یاری‌رسانی به دیگران برای نیکی به تقوا/پیشگی*، نشریه مطالعات فقه تربیتی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- اسدی‌نسب، محمدعلی، *امکان علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبائی*، فلسفه دین، سال چهاردهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۲)، ۱۳۹۶.
- _____، (۱۳۹۵) *ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبائی*، قیسات، سال بیست‌ویکم، شماره ۸۲، ۱۳۹۵.
- اعرافی، علی‌رضا، *وظایف تربیتی حکومت دینی*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۹.
- _____، *مکاسب محرمة*، ج ۴، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶.
- انصاری، مرتضی، *کتاب المکاسب*، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۱ق.
- انصاری شیرازی قدرت‌الله و دیگران، *موسوعة احکام الاطفال و أدلتها*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)، ۱۴۲۹ق.
- ایروانی، علی بن عبدالحسین، *حاشیة المکاسب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- باقری، خسرو، *هویت علم دینی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
- جمالی، مصطفی، *هویت علوم انسانی اسلامی، از دیدگاه روش‌شناختی*، نشریه معیار پژوهش در علوم انسانی، سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۰.
- جمالزاده، ناصر و باباخانی، مجتبی، *کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی (ره)*، دوفصلنامه دانش سیاسی، دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۳۹۶.
- جمشیدی، محمدحسین، علی شیرخانی و داود سبزی، *نظریه‌پردازی و اسلامی‌سازی نظریه‌های علوم انسانی*، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۱۹، شماره پیاپی ۶۵، ۱۳۹۴.
- حسینی، سید حمیدرضا و علی‌پور، مهدی، *درآمدی بر سیاست‌پژوهی علوم انسانی اسلامی؛ آسیب‌ها و راهکارها*، نشریه روش‌شناسی علوم انسانی، سال هجدهم، شماره ۷۰، ۱۳۹۱.

تبیین چرایی اسلامی سازی علوم انسانی، از منظر فقه اسلامی □ ۳۰۱

۱۵. حمیری، نشوان و شمس بن سعید، *العلوم و الدواء الکلام العرب من الکدوم*، بیروت، دار الکفر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- خامنه ای، سیدعلی، *بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت*، ۱۳۹۵/۶/۳.
- خسروپناه، عبدالحسین، *در جست و جوی علوم انسانی اسلامی*، ج ۱ و ۲، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.
- _____ *علوم انسانی؛ چیستی، ساحت ها و فرایندهای تحول در آن*، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۴.
- _____ *چیستی فلسفه علوم انسانی*، آینه معرفت، شماره ۳۱، ۱۳۹۱.
- امام خمینی، سیدروح الله الموسوی، *المکاسب المحرمه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- _____ *صحیفه امام خمینی قدس*، جلد ۱۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
- _____ *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- خوبی، ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه*، تقریر میرزامحمدعلی توحیدی، بیروت، دار الهادی، ۱۴۱۲ق.
- داودآبادی، محسن، *تحلیلی بر قاعده فقهی اعانه علی البر و موارد کاربرد آن در عرصه حکومت*، پژوهش نامه میان رشته ای فقهی دانشگاه امام صادق علیه السلام، دوره ۲، شماره ۳، ۱۳۹۲.
- داودآبادی، محسن، *الگوی آموزش عالی در فقه تربیتی*، پایان نامه دکتری فقه تربیتی جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، ۱۳۹۹.
- داودآبادی، محسن و بهرامی، حسین، *بایسته های حکومت اسلامی در سیاست گذاری آموزش (تعلیم و تعلم)*، نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۸، شماره ۱۴، ۱۳۹۹.
- ذاکری، مهدی و حمید خدابخشیان، *امکان سنجی علوم انسانی اسلامی بر مبنای زبان دین*، قبسات، سال نوزدهم، شماره ۷۳، ۱۳۹۳.
- ربانی گلپایگانی، علی، *بررسی دیدگاه ها درباره چیستی علم دینی*، فصلنامه کلام اسلامی، دوره ۲۶، شماره ۱۰۳، ۱۳۹۶.
- رضایی، مجید و سیدمحمدعلی هاشمی، *بازخوانی قاعده نفی سبیل با رویکردی به اندیشه های امام خمینی قدس*، پژوهش نامه متین، دوره ۱۴، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.

زارعی، بهادر؛ علی زینی‌وند و کیمیا محمدی، *قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۳۶، ۱۳۹۳.
رستمیان محمدعلی، *وظایف و مسئولیت‌های حاکم در نگاه علی (ع)*، حکومت اسلامی، شماره ۱۸، ۱۳۷۹.

سبزواری، سید عبدالاعلی، *مذهب الاحکام*، قم، دفتر آیت الله سبزواری، ۱۴۱۳ق.
۳۳. سیفی مازندرانی، علی اکبر، *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهیه الأساسیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

شریعتی، روح الله، *قواعد فقه سیاسی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
شریفی، احمدحسین، *روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی*، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۹۸.
_____، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، چاپ اول، ۱۳۹۳.
شکوری، ابوالفضل، *فقه سیاسی اسلام*، قم، نشر حر، ۱۳۶۷.
صبوری‌نیا، سهیلا و مریم کول، *اسلامی کردن علوم انسانی و کیفیت نظام‌های دانشگاهی*، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، ۱۳۹۶.
صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
طباطبایی، سیدمحمد، *علم دینی؛ چیستی و امکان*، مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، تهران، انتشارات آفتاب توسعه، چاپ اول، ۱۳۹۴.
فتحعلی خانی، محمد، *روش و روش‌شناسی در علوم انسانی اسلامی چارچوبی برای تحلیل و ارزیابی نظریه‌های علم دینی و علوم انسانی اسلامی*، قیسات، سال بیست‌وسوم، شماره ۸۹، ۱۳۹۷.

فیومی، احمد بن محمد مقری، *المصباح المنیر*، قم، منشورات دارالرضی، چاپ اول، بی‌تا.
قرائی سلطان‌آبادی، احمد، *اسلامی‌سازی علوم، ضرورتی چالش‌برانگیز*، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۱ (۶۲)، ۱۳۹۴.

قرطبی، محمد بن احمد انصاری، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، نشر ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
قربانی، قدرت‌الله، *نقش آموزه‌های اسلامی در علوم انسانی و اجتماعی با نظریه امکان جامعه‌شناسی اسلامی*؛ مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی و اسلامی، انتشارات آفتاب توسعه، چاپ اول، ۱۳۹۴.

تبیین چرایی اسلامی سازی علوم انسانی، از منظر فقه اسلامی □ ۳۰۳

- قنبری باغستان، عباس، به سوی تدوین یک چارچوب فرانظری برای اسلامی سازی علوم انسانی؛ نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان، شماره ۴ (۲۴)، ۱۳۹۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- محیطی اردکان، محمدعلی و علی مصباح، بایدها و نبایدهای اسلامی سازی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح، معرفت فلسفی، سال دهم، شماره اول، ۱۳۹۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی، رابطه علم و دین، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲.
- مصطفوی، سید محمدکاظم، القواعد؛ مائة قاعدة فقهية، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، ربا و بانکداری اسلامی، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۰.
- ملک افضلی، محسن، آثار قاعده حفظ نظام، حکومت اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۴، ۱۳۸۹.
- منتظری، حسینعلی، دراسات فی المکاسب المحرمة، قم، نشر تفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- _____، مبانی فقهی حکومت اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
- موسوی بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهية، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- میرزا محمدی، محمد حسن و حسن صحبت لو، اهداف دانشگاه اسلامی، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال یازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱م.
- وحید بهبهانی، محمدباقر، الحاشية على مجمع الفائدة والبرهان، قم، مؤسسه علامه وحید بهبهانی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- هاشمی شاهرودی، محمود، روش استدلال در علم فقه، فصلنامه فقه اهل بیت (علیهم السلام)، شماره ۷۹، ۱۳۹۳.